

## نقش انواع پیش متن‌ها در توصیف بیش متن غیر بومی (صنایع به کار گرفته شده برای توصیف اصفهان توسط پیر لوتی)

دکتر بهمن نامور مطلق

عضو هیات علمی فرهنگستان هنر

e-mail: honar@honar.ac.ir

### چکیده

نویسنده- سیاحان همواره با این پرسش و چالش مواجه بوده‌اند که چگونه طبیعت یا فرهنگ غیر بومی را که هیچگاه مخاطب هدف آنرا ندیده است توصیف کنند. به عبارت دیگر، چه عناصر و صنایعی می‌توانند برای توصیف و تشریح متن‌هایی که مخاطب آنها را ندیده و نمی‌بیند به کار گرفته شود و به همین منظور فنون و صنایع گوناگون بلاغی را مورد استفاده قرار داده یا خلق کرده‌اند.

مقاله حاضر به همین موضوع به ویژه نزد پیر لوتی در خصوص شهر اصفهان می‌پردازد. اصفهان این شهر اسطوره‌ای، این باغ شهر شرقی و شهری که هانری کربن آن را "عالم مثال" و هانری استرلن "تصویر بهشت" می‌نامد و امسال آیسسکو آن را به پایتختی جهان اسلام برگزیده است، همواره مورد توجه سیاحان و نویسندگان بزرگ اروپایی بوده است. پیر لوتی در سفر نامه خود با نام به سوی اصفهان (*Vers Isphahan*) به توصیف ایران از بوشهر تا شیراز و اصفهان تا تبریز می‌پردازد. او از صنایع بلاغی گوناگون برای توصیف این شهر به اروپاییان استفاده می‌کند. همچنین او می‌کوشد تا به واسطه دانش‌های پیشین (پیش متن‌های) مخاطبان اروپایی به توصیف متن‌های جدید (بیش متن‌هایی) بپردازد که آنها هیچگاه ندیده‌اند.

مقاله حاضر بر این استوار شده است که هیچ تصویر جدیدی قابل دریافت نیست، مگر اینکه نسبتی با پیش متن‌های مخاطب برقرار کند. در این رابطه هدف مقاله شناسایی و طبقه بندی این پیش متن‌ها و نقش آنها در دریافت شهری غیر بومی - یعنی اصفهان - است. روش تحقیق با الهام از آثار ژرارزنت و گسترش آن توسط مؤلف مقاله اخذ شده است.

**واژه‌های کلیدی:** پیش متن، بیش متن، فرهنگ غیر بومی، نویسنده سیاح، طبیعت و هنر.

## مقدمه

پیر لوتی از نویسندگان بزرگ اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیست و عضو فرهنگستان فرانسه است. لوتی از آنجا که افسر نیروی دریایی بود، به نقاط مختلف جهان به ویژه کشورهای شرقی مسافرتها زیادی داشت. او پس از سفر به سرزمینهایی همچون عثمانی، ژاپن، مغرب، فلسطین و هندوستان در سال ۱۹۰۰ م به ایران سفر می‌کند. از هندوستان با کشتی به خلیج فارس<sup>۱</sup> و بندر بوشهر وارد شد و سپس از مسیر کازرون به شیراز رفت و از تخت جمشید بازدید نمود و روانهٔ اصفهان گردید و پس از چند روز رهسپار کاشان و قم شد و پس از آن به پایتخت یعنی تهران رسید و بعد از چند روز اقامت، به طرف قزوین، رشت راه افتاد و در پایان از طریق بندر انزلی از ایران خارج شد. مجموعه این سفر زمینی با اسب و قاطر و گاهی همراه با کالسکه پنجاه روز طول کشید و نتیجهٔ آن نوشتن سفرنامه‌ای به نام "به سوی اصفهان"<sup>۲</sup> بود.

این مقاله به مطالعهٔ چگونگی معرفی ایران و ایرانیان به عنوان دیگری در "به سوی اصفهان" می‌پردازد. به ویژه اینکه مخاطبان اصلی این سفرنامه کسانی هستند که هیچ‌گاه ایران را ندیده‌اند. پرسش اساسی این است که این نویسنده وسیع فرانسوی چگونه پدیده‌هایی را که مخاطبانش ندیده‌اند، توضیح می‌دهد و از چه صنایعی برای تشریح این پدیده‌ها استفاده می‌کند. به عبارت عمومی‌تر، نویسنده و سیاحان همواره با این پرسش و چالش مواجه بوده‌اند که چگونه طبیعت یا فرهنگ غیربومی را که هیچ‌گاه مخاطب هدف آن را ندیده است، توصیف کنند و در این خصوص از چه صنایعی باید استفاده نمایند. روش تحقیق بر اساس بینامتنیت<sup>۳</sup> و به ویژه ترامتنیت<sup>۴</sup> استوار گردیده است. همچنین باید افزود که حوزهٔ مطالعات در این مقاله درون‌متنی خواهد بود، یعنی پس از مقدمه، به ندرت

۱- لوتی در سال ۱۹۰۰ به صراحت از واژهٔ خلیج فارس (Golf persique) یاد می‌کند.

۲- "Vers Ispahan" در سال ۱۹۰۳ در فرانسه چاپ و نشر شد. این کتاب، توسط بدرالدین کتابی به فارسی ترجمه شده است. مقاله حاضر برای اینکه مخاطبان غیر فرانسوی زبان نیز بتوانند از مراجع آن استفاده کنند، به ترجمهٔ این کتاب ارجاع می‌دهد و فقط بنا به ضرورت، به متن اصلی نیز ارجاع می‌دهد.

3- Intertextualité.

4- Transtextualité.

به فرامتنهای مؤلفی یا اجتماعی پرداخته می‌شود، بلکه کوشش می‌شود که ارجاعات نه فرامتنی، که درون متنی باشد.

### پیش‌متن<sup>۱</sup> و بیش‌متن<sup>۲</sup>

اگر این اصل را بپذیریم که هیچ متنی بدون کمک پیش‌متنهای مرتبط با آن قابل درک نیست، پیرلوتی نیز همواره با توجه به پیش‌متنهای خود به درک ایران و ایرانیان نائل می‌آید. میزان درک واقعی او نیز در این خصوص تا حدود زیادی به چگونگی پیش‌متنهایش باز می‌گردد. این پیش‌متن را می‌توان پیش‌متن مؤلف نامید. زیرا لوتی نویسنده سفرنامه است. بی‌شک لوتی پیش از ورود به ایران اطلاعاتی در خصوص این کشور داشته است و همان پیش‌متنهایش بود که او را به این دیار کشانید. اما این پیش‌متنهای اغلب از طریق کتابها یا گفتارها یا احياناً ملاقات و دوستی با برخی ایرانیان حاصل شده است و تمام این ارتباطات در حوزه خارج از ایران انجام می‌شد. به همین دلیل ایران فیزیکی با آب و هوا و با مردمان محلی برایش کاملاً تازگی داشت، چنانکه می‌گوید: «همه چیز برای من تازه است: همراهان خود را نمی‌شناسم، قیافه‌ها ایرانی است، این نخستین بار در عمر من است که این گونه لباس و زین و برگ اسبان را به چشم می‌بینم.»<sup>۳</sup> او گاهی به شدت نسبت به پیش‌متنهای خود به تردید می‌افتد و می‌نویسد: «پس از عبور از پل، به خیابانهای پهن و مستقیمی وارد می‌شویم که با دیدن آن نسبت به همه آگاهی‌هایی که از شهرهای شرقی داشته‌ام، شک می‌کنم.»<sup>۴</sup>

لوتی در پایان اعتراف می‌کند که زبانهای غربی برای توصیف شهری همچون شیراز ناکافی است. و می‌گوید: "واقعا در این شهر شیراز جادو و سحری وجود دارد که با زبانهای غربی ما قابل توصیف نیست."<sup>۵</sup>

1- Hypotexte.

2- Hypertexte.

۳- "به سوی اصفهان" اثر پیرلوتی. ترجمه بدرالدین کتابی. تهران: انتشارات اقبال. ۱۳۷۲) ص ۳۹.

۴- همان، ص ۱۷۸.

۵- همان، ۱۱۲.

اما چون این کتاب مخاطبان اروپایی به ویژه فرانسوی را در بر می‌گیرد، مولف مجبور است برای اینکه نوشته‌اش مورد دریافت و فهم مخاطبان قرار گیرد، از پیش‌متنهای آنها نیز استفاده کند. به بیان دیگر، مؤلف می‌خواهد مناظر و سنتها و هنرهایی را برای مخاطبان فرانسوی خود توضیح دهد که آنها هیچ‌گاه ندیده‌اند. بنابراین، او می‌بایستی از پیش‌متنهای مخاطبان یعنی پیش‌متنهای فرا شخصی و مشترک با آنها نیز برای انتقال تجربیات سفرش استفاده کند.

### روابط تفریقی و تشبیهی پیش‌متنها و بیش‌متنها

برای اینکه پیش‌متنهای مورد استفاده لوتی را مطالعه کنیم، بهتر است به دسته‌بندی و طبقه‌بندی آنها بپردازیم. با توجه به موضوع این نوشتار می‌توان در مرحله نخست این پیش‌متنها را به دو بخش تشبیهی و تفریقی تقسیم کرد. به عبارت روشن‌تر، رابطه پیش‌متن و بیش‌متن می‌تواند بر اساس صنعت تشبیه یا صنعت تفریق بنا شده باشد. گاهی نویسنده برای بیان و توضیح متن جدید از شباهتهایی که میان این متن جدید (بیش‌متن) با متن پیشین (پیش‌متن) وجود دارد، استفاده می‌کند. همچنین گاهی نیز به جای شباهتها نویسنده به دلایلی توجه خود را معطوف تفاوت‌های میان پیش‌متن و بیش‌متن کرده است. بیان این نکته در همین جا لازم است که در اغلب تشبیهات تفریق و در اغلب تفریقات تشبیه نیز وجود دارد و نکته مهم تأکید بر این یا آن است.

در تفریق بر تفاوت‌ها و فرقه‌های میان دو عنصر و پدیده تأکید می‌شود. در واقع، شناخت یک پدیده به واسطه تفاوتی که با پدیده شناخته شده دارد، ایجاد می‌شود. البته این تفاوت همیشه دارای طبیعت یا کارکرد مشابهی نیست، زیرا این تفاوت می‌تواند گاهی در جهت مدح باشد، چنانکه لوتی در مورد آرامش شهرهای اسلامی می‌گوید: «در اینجا صدا و روشنایی وجود ندارد و هیچ‌عابری دیده نمی‌شود. در نزدیکی‌های بلاد اسلامی علاوه بر تاریکی، همیشه چنین آرامش و سکوت مطبوعی وجود دارد؛ پدیده‌ای که برای شهرهای

اروپا قابل تصور نیست.»<sup>۱</sup> او در رابطه با شهر اصفهان و بنیانگذار اصفهان دوره صفویه یعنی شاه عباس می‌گوید:

«در عصری که حتی در مغرب زمین و شهرهای اروپا میدانها تنگ و کوچه‌ها زشت و ناخوشایند بود و یک قرن پیش از آنکه طرح ایجاد «کاخ ورسای» در مخیله بنیاد گذارش مرتسم شود، این مرد شرقی، نقشه بنای قرینه سازیهای بزرگ و گشایش و ایجاد خیابانهایی را کشید که پس از وی کسی نتوانست مانند آنها را به وجود آورد.»<sup>۲</sup>

اما گاهی نیز این تفاوت برای ذم به کار می‌رود، چنانکه در مورد وقت‌شناسی شرقیان می‌گوید: «مردم خاور زمین بر خلاف ما، برای وقت اهمیتی قائل نیستند!»<sup>۳</sup>

مؤلف با دیدن عمارتهای زیبایی که در حال ویرانی هستند با عمومیت دادن بی‌توجهی ایرانیان به کل شرقیان می‌گوید: «ایرانیان با بی‌دقتی و عدم مراقبتی که مخصوص شرقیان است، به این ویرانیهایی اعتنا هستند.»<sup>۴</sup> با این دو فراز آخر مشاهده می‌شود که چگونه لوتی از استروتیپها<sup>۵</sup> که از مهم‌ترین عناصر مربوط به موضوع دیگری است، استفاده می‌کند. این استروتیپهای وقت‌شناسی و بی‌دقتی به میراث گذشته، شرقیان را از غربیان متفاوت می‌کند. در پیش‌متنهای تشبیهی درست بر خلاف تفریقی تأکید بر مشابهت‌های میان دو متن است. به عبارت دیگر، رابطه میان مشبه و مشبه‌به مورد توجه قرار می‌گیرد. این گونه رابطه پیش‌متن و پیش‌متن نسبت به تفریق بیشتر رایج است و در سفرنامه "به سوی اصفهان" نیز چشمگیرتر است. بنابراین بی‌علت نیست که مثالهای ما نیز اغلب از نوع مقایسه تشبیهی است.

همچنین می‌توان پیش‌متنهای را با توجه به نوع دخالت انسان در خلق آنها به دو دسته کلی طبیعی و فرهنگی تقسیم کرد.

۱- همان، ص ۸۱

۲- همان، ص ۱۹۸.

۳- همان، ص ۸۴.

۴- همان، ص ۱۹۸

### پیش‌متنهای فرهنگی و طبیعی

پیش‌متنهای فرهنگی پیش‌متنهایی هستند که ساخته و پرداخته جوامع و فرهنگهای انسانی‌اند و به طور کلی توسط انسان ایجاد شده‌اند. اهمیت پیش‌متنهای فرهنگی تا حدود زیادی از جهت گوناگونی و تنوع آنهاست. چنانکه هر جامعه‌ای دارای متن‌ها و پیش‌متنهای فرهنگی خاص خود می‌باشند که به وسیله آن از سایر فرهنگها متمایز می‌شوند. پیش‌متنهای فرهنگی را می‌توان به اقسام گوناگونی تقسیم کرد، اما مهم‌ترین آنها که مورد توجه این نوشتار است، عبارت‌اند از: هنری، معماری، مذهبی، سنتها و رسوم و ... این پیش‌متن‌ها می‌توانند از نظر زمانی یا جغرافیایی نیز از یکدیگر متمایز شوند.

بخش دیگری از پیش‌متن‌ها به عناصر و پدیده‌های طبیعی باز می‌گردند. انسانها با توجه به تجربیات خود با طبیعت پیرامون دارای پیش‌متنهایی می‌شوند که از آنها برای شناخت متنهای جدید استفاده می‌کنند. پیش‌متنهای طبیعی دارای گوناگونی‌های مخصوص به خود است. پیش‌متنهای گیاهی، هوایی، آبی و خاکی که درختان، گلها، رودخانه‌ها، دریاها، کوهها، کویرها و جلگه‌ها را در بر می‌گیرند، پیش‌متنهای طبیعی هستند.

چنانکه گفته شد، پیش‌متن‌ها می‌توانند دارای گونه طبیعی یا فرهنگی باشند و رابطه میان پیش‌متن و بیش‌متن می‌تواند بر اساس تشبیه یا تفریق استوار شده باشد. اما با توجه به طبیعت پیش‌متن‌ها و همچنین بیش‌متن‌ها دو رابطه نیز در اینجا قابل مشاهده است. به عبارت روشن‌تر، پیش‌متن و بیش‌متن می‌توانند از یک یا از دو جنس متفاوت باشند. زیرا پیش‌متن‌ها می‌توانند یا طبیعی یا فرهنگی باشند و پیش‌متن‌های فرهنگی خود می‌توانند هنری، معماری، انسانی یا ... باشند.

### ارتباط همگونی

پیش‌متن‌ها در بسیاری از مواقع با بیش‌متنهای خود دارای سنخیت و همانندی هستند چنانکه می‌توان یک پدیده گیاهی را با یک پدیده گیاهی دیگر مورد تطبیق و تشبیه قرار داد تا با پیش‌متن گیاهی به شناخت بیش‌متن گیاهی دیگر دست یافت.

طبیعت: طبیعت ایران از تنوع ویژه‌ای برخوردار است که در مجموع می‌تواند با چندین

کشور از جهت تنوع برابری نماید. به همین دلیل نویسنده برای توضیح و توصیف طبیعت که بدان بسیار هم توجه دارد، از پیش‌متنهای فرانسویان و اروپاییان در سرزمینهای اروپایی استفاده می‌کند. "از پنجره، درختان کوچکی شبیه اشجار باغهای دیار ما (مانند خرزهره و درختان گلدان‌انار) و گندمهای رسیده و کشتزارهایی نظیر مزارع کشاورزان ما دیده می‌شود."<sup>۱</sup>

گاهی نیز لوتی بخشی از خاک ایران را با آرکادی مقایسه می‌کند و می‌گوید: «به تدریج از خاک و برگ و جز آن پر شده و اکنون به یک بهشت آسمانی یا ناحیه آرکادی<sup>۲</sup> - که کاملاً با سایر نقاط عالم فرق دارد- تبدیل گردیده است.»<sup>۳</sup> اما هنگامی که به بخشی از طبیعت ایرانی برمی‌خورد که معادل آن را در اروپا نمی‌یابد، در این صورت به طبیعت سایر کشورها توجه و با آنها مقایسه می‌کند. لوتی به طور کلی در مقایسه طبیعت ایران با فرانسه می‌گوید:

«در میان این گونه مناطق دنیا- که از کاروان ترقی عقب مانده‌اند- ایران در نظر ما اروپاییان از همه زیباتر است و ما بدان علاقه بیشتری داریم، زیرا گیاهان، درختان، پرندگان و بهار این کشور کاملاً به نباتات، اشجار، پرندگان و بهار کشورهای ما شباهت دارد. ما در ایران احساس غربت نمی‌کنیم، بلکه چنین می‌پنداریم که در کشور خود هستیم، ولی چندین قرن به عقب برگشته‌ایم.»<sup>۴</sup>

**زبان و ادبیات:** با وجود اینکه لوتی یک نویسنده فرهنگستانی بود و به همین دلیل انتظار می‌رفت نسبت به زبان و ادبیات فارسی حساسیت زیادی داشته باشد، این انتظار توسط خوانندگان برآورده نمی‌شود. بر عکس نه تنها با بی‌توجهی به این موضوع مواجه می‌شود، بلکه گاهی موضع لوتی برخلاف انتظار است. به طور مثال در خصوص زبان فارسی

۱- همان ص ۵۲.

۲- «آرکادی» ناحیه‌ای است در یونان باستان در مرکز «پلونیز» که محل سکونت چوپانان بوده است و شعرای پیشین آن را مرکز عصمت و سعادت نامیده‌اند. پانوشتر مترجم

۳- همان، ص ۵۶.

۴- همان، ص ۶۵.

و علت ارتباط نزدیک مردم با حافظ و سعدی می‌گوید :

«این ایران که هیچ چیز آن - نه شکل اندیشه‌ها و نه زبانش - تغییر نمی‌کند و هیچ موضوعی در آن فراموش نمی‌شود، برای شاعران، جایگاهی مطلوب و دلپسند است. در کشور ما - جز ادبا و نویسندگان - هیچ یک از مردم عادی، از شعرای قرون وسطا که با سعدی همزمان بوده‌اند، یاد نمی‌کند؛ چه کسی از شاعر گرانقدر ما «رونسار» سخنی بر زبان می‌آورد؟»<sup>۱</sup>

از میان پیش‌متنهای ادبی در این سفرنامه حکایت‌های "هزارو یک شب" دارای جایگاه خاصی است و بارها تکرار می‌شود. گویی لوتی در جستجوی نشانه‌های عناصر این داستانها در ایران است و گرچه اغلب از این جستجو نا امید می‌شود، ولی هنگامی که گنبد و باروی بارگاه حضرت معصومه را می‌بیند، می‌نویسد: "بنابر این معلوم می‌شود که هنوز در ایران بنای آباد هم وجود دارد و این زمان می‌توان ساختمانهایی نظیر آنچه در افسانه‌های هزارو یک شب آمده است، بنیاد نهاد یا تعمیر کرد."<sup>۲</sup>

هنر: در "به سوی اصفهان" گذشته از معماری، نویسنده کمتر به تشبیهات میان هنری توجه داشته است. با این حال هر از گاهی شاهد نمونه‌هایی هستیم. چنان که رقص دختران ایرانی تداعی‌گر دختران فرانسه می‌گردد. "دختران کوچک دوازده ساله با هم دایره‌ای تشکیل داده می‌رقصند - چنانکه دختران ما هم در شبهای ماه مه همین کار را می‌کنند."<sup>۳</sup>

او اشیاء دهلیزیهای کاخ سلطنتی در تهران را با رواقهای موزه لوور مقایسه می‌کند و می‌گوید: "در طبقه اول، دهلیزی وجود دارد که مانند رواق «موزه لوور» پر از اشیاء گرانبها است."<sup>۴</sup>

او همچنین با شنیدن صدای نقارچیان اصفهان به یاد هندوستان می‌افتد و می‌گوید :

۱- همان، ص ۱۱۲.

۲- همان، ص ۲۵۵.

۳- همان، ص ۱۶۰.

۴- همان، ص ۲۷۶.



"صبح فردا نقاره چیان در همین محل امروزی جمع شده، به هنگام بر آمدن آفتاب نقاره می‌زنند. در ساحل رود گنگ در هندوستان نیز همین کار را انجام می‌دهند، یعنی در صبح و شام - به هنگام طلوع و غروب آفتاب- بر این شاه ستارگان درود می‌فرستند و نظیر همین صداها دوبار در روز از بالای شهر «بنارس» برمی‌خیزد."<sup>۱</sup> در ضمن لوتی در چندین نوبت تزییناتی را که مشاهده می‌کند به خطا به اعراب و هنری عربی منتسب می‌کند.

**معماری و شهرسازی:** نویسنده فرانسوی که مردی دنیا دیده است و به بسیاری از کشورها سفر کرده، توجه خاصی به معماری مناطقی که از آنها گذر می‌کند، دارد. به همین دلیل پرداختن و توصیف معماری شهرها و عمارتهایی که می‌بیند، در جای جای اثرش قابل مشاهده است. از مهم‌ترین عناصری که این نویسنده و سیاح فرانسوی را بسیار متأثر ساخته، معماری ایران به ویژه اصفهان و شهرسازی آن است. لوتی در مقایسه چهار باغ اصفهان با شانزله‌لیزه می‌گوید: "در این عصر این پادشاه بزرگ خیابان چهارباغ - که یکی از راههای ارتباط با جلفا است و به پل معروف زیبایی منتهی می‌شود که به هنگام ورود به شهر از آن عبور کردیم - از گردشگاههای بی‌نظیر روی زمین بوده و «خیابان شانزله‌لیزه» اصفهان به شمار می‌آمده است."<sup>۲</sup> او جلال و شکوه دربار صفویه را تنها رقیب دربار لوئی چهارده می‌داند و می‌گوید: "در دوره‌ای که در کشور ما دربار «پادشاه آفتاب» درخشندگی و ابهت خاصی داشته، تنها رقیب آن - از زیبایی - دربار پادشاهان ایران بوده است."<sup>۳</sup> لوتی حتی پای را از این هم فراتر می‌گذارد و اصفهان را از ورسای نیز بالاتر می‌داند و اذعان می‌کند: "اصفهان به هنگام هجوم وحشیان خاوری در اوج زیبایی و ظرافت قرار داشته و در آن زمان خیابان چهار باغ کانون قشنگی و زیبایی بوده، به طوری که «کاخ ورسای» هم پای آن نمی‌رسیده است."<sup>۴</sup>

تعدادی از مثالهایی که تا اینجا مورد استفاده قرار گرفته‌اند، برتری مشبه بر مشبه‌به را

۱- همان، ص ۲۱۵.

۲- همان، ص ۲۰۵.

۳- همان، ص ۲۰۶.

۴- همان، ص ۲۰۶.

بیان می‌کنند که در این صورت آن را تشبیه تفضیلی می‌نامند. به طور مثال لوتی در توصیف نقوش برجسته تخت جمشید می‌گوید :

«سخت‌ترین سنگهای خارای کلیساهای ما پس از سیصد یا چهارصد سال خراب می‌گردد و کنار آنها یعنی محل تقاطع سطوحشان، درست تشخیص داده نمی‌شود. سنگهای سماق در روم شرقی و سنگهای مرمر یونانی که در هوای آزاد قرار داشته، کاملاً ساییده شده‌اند ولی در اینجا، انسان تصور می‌کند که در صورتهای عجیب تازه از زیر دست سنگتراشان بیرون آمده است.»<sup>۱</sup>

در مورد میدان نقش جهان و بی‌نظیر بودن آن ادامه می‌دهد : «از درون یک سر در و طاق رومی بزرگ کاشیکاری شده که از روی زمین تا طاق ارتفاع دارد، میدان معروف اصفهان - که از لحاظ زیبایی و وسعت در هیچ یک از شهرهای اروپائی نظیر ندارد - در برابر دیدگان ما ظاهر می‌شود.»<sup>۲</sup> یا اینکه در مورد جلال و زیبایی گنبد و مناره‌های بارگاه حضرت معصومه (س) می‌نویسد :

«چشمان من چیزهای شگفت‌آور و زیبا بسیار دیده، ولی من هیچ یک از آنها را با شکوه‌تر یا شرقی‌تر و بهت‌آورتر از مقبره حضرت فاطمه (س) - که در یکی از عصرهای ماه مه به هنگام بیرون آمدن از بازار تاریک قم با جلوه‌گری در برابرم ظاهر می‌شود - نیافته‌ام.»<sup>۳</sup>

گاهی نیز با نگرشی طنزآلود به معماری در حال انقراض دوران به مقایسه آن می‌پردازد . به طور مثال با دیدن مناره‌ای نیمه ویران باز به طنز اذعان می‌کند : «مناره عظیم و تک‌افتاده‌ای به چشم می‌خورد که اقلأ شصت متر ارتفاع دارد. این مناره بیش از «برج پیزا» خمیده است، به طوری که ایجاد ترس و وحشت می‌کند.»<sup>۴</sup>

۱- همان ، ص ۱۳۵.

۲- همان ، ص ۱۹۵.

۳- همان ، ص ۲۵۵.

۴- همان ، ص ۲۴۸.

مذهب: به دلیل بافت مذهبی مردم ایران در آغاز قرن بیستم و سنتها و آیینهای مذهبی، لوتی در بسیاری از موارد برای آگاهی بخشی بهتر این بخش از فرهنگ ایرانی از پیش‌متنهای مذهبی مخاطبان هدف خود بسیار سود برده است. یکی از نمونه‌هایی که لوتی چندین بار تکرار می‌کند، تشبیه جمعهٔ مسلمانان با یکشنبهٔ اروپاییان مسیحی است چنان می‌گوید: "امروز جمعه، یعنی یکشنبهٔ مسلمانان است."<sup>۱</sup> و بعد از یکصد صفحهٔ دیگر باز می‌گوید: "امروز جمعه و به منزلهٔ یکشنبهٔ مسلمانان است. بنابراین باید مانند همهٔ مردم به سوی صحرا شتافت. گویی یکشنبه‌های ماه مه همیشه زمان نشاط و خرمی بهار و صفای آسمان آبی رنگ است."<sup>۲</sup>

این موضوع نیز دارای اهمیت است که برخی از روزهای سفر لوتی، با دههٔ محرم مصادف بود و به همین دلیل او مراسم عزاداری در چندین شهر را شاهد بود. لوتی برای توصیف این حادثه آن را با مصائب مسیح مقایسه می‌کند و می‌گوید: "پیر مرد داستان شهادت و رنجهای امام حسین (ع) را نقل می‌کند، زیرا اسم او را زیاد بر زبان می‌آورد. مثل اینکه کشیشی در کشور ما آلام و رنجهای حضرت مسیح را شرح دهد."<sup>۳</sup>

او همچنین برای توصیف نجابت زنان ایرانی آنها را به مجسمه‌های حضرت مریم تشبیه کرده و می‌گوید: "زنان زیبایی که این گونه خود را پوشانده‌اند، به مجسمه‌های حضرت مریم شباهت دارند."<sup>۴</sup> بی‌فایده نیست یادآوری شود که پیر لوتی توجه خاصی به زنان در نوشته‌های خود دارد. در ایران نیز که زنان دارای پوشش کامل بدن و حتی صورت بودند، بیش از پیش کنجکاوی این نویسنده فرانسوی را جلب می‌کرد تا جایی که به چشم‌چرانی نیز می‌رسید. حتی می‌توان گاهی نگاه اگزوتیک لوتی را به ارو-اگزوتیک<sup>۵</sup> شبیه دانست.<sup>۶</sup>

۱- همان، ص ۱۰۰.

۲- همان، ص ۲۲۴.

۳- همان، ص ۱۲۳.

۴- همان ص ۱۶۳.

5- Er(o)-Exotique.

۶- این نگاه ارو-اگزوتیک در میان هنرمندان این دوره نیز رایج بوده است، چنانکه نمونه‌های آنها را در نقاشی‌های ژان-دومینیک آنگرو می‌توان مشاهده کرد.

لوتی از کلیسا نیز برای تشبیه‌پردازی استفاده زیادی برده است. به طور مثال می‌نویسد: "بازار رنگرزان بلند و تاریک و غم افزاست و به یک کلیسای باستانی می‌ماند که بدون تناسب دراز و آثار عزا در آن نمایان است."<sup>۱</sup> لوتی پس از توضیح در مورد زرتشتیان ایرانی، وضعیت کنونی آنها را به یهودیان تشبیه می‌کند و می‌نویسد: "امروز تعداد آتش پرستان در کشور اصلی خودشان و حتی در دنیا بسیار اندک است و عده معدود باقی مانده هم مانند ملت یهود پراکنده‌اند."<sup>۲</sup> این عبارات یادآور اسطوره یهودی سرگردان<sup>۳</sup> است.

**رسوم اجتماعی:** منظور از رسوم اجتماعی رفتارهای فردی و اجتماعی ایرانیان و در مقایسه با دیگر مللی است که با آنها مقایسه شده‌اند. لوتی در پی بی‌توجهی ایرانیان به قراردادهایی که با اومی گذاشتند، می‌گوید: "مردم خاور زمین بر خلاف ما، برای وقت اهمیتی قائل نیستند!"<sup>۴</sup>

### ارتباط تلفیقی

گاهی نیز ارتباط میان پیش‌متن با بیش‌متن یک ارتباط همگون نیست، یعنی این دو از یک جنس نیستند. به عبارت روشن‌تر، پیش‌متن دارای جنسی متفاوت با جنس بیش‌متن است. با توجه به گونه‌های متفاوت پیش‌متن‌ها که در بالا به آنها اشاره شد، یعنی طبیعی، هنری، معماری و ...، در ارتباط تلفیقی پیش‌متن دارای بیش‌متنی متفاوت است. به طور مثال از پیش‌متن طبیعی برای توصیف و بیان بیش‌متن هنری استفاده شده است.

**طبیعت و باورهای مذهبی و قومی:** چنانکه اشاره شد، لوتی به طبیعت توجه فراوانی دارد، زیرا او پیوسته در سفرهای دریایی و زمینی بوده است. به همین دلیل توصیفات و تشبیهات مربوط به طبیعت در "به سوی اصفهان" بسیار زیاد است. گذر از دره‌ها و تغییرات طبیعت در نظر او بسیار جالب و در عین حال وحشتناک می‌نماید و آنها را به دالان جهنم

۱- همان، ص ۲۰۱.

۲- همان، ص ۱۴۷.

3- Juif errant.

۴- همان، ص ۸۴.

تشبیه می‌کند، چنانکه می‌گوید: "هنگامی که در درون این کوهستان تازه، از میان سنگهای قرمز رنگ و گوگردی و از طریق شکاف تنگی که به دالان جهنم می‌ماند، پیش می‌رویم، قرص آفتاب فرو می‌نشیند و ناگهان دنیای اطراف ما رنگی مخالف و وحشت آور به خود می‌گیرد."<sup>۱</sup> و در نقطهٔ مقابل ناگهان آسمان و زمین دست به دست هم می‌دهند و منظره‌ای بهشتی خلق می‌کنند، چنانکه نویسنده می‌نویسد: "همه جا آسمان صاف و پاک است و آرامشی بهشتی بر دهکده و کشتزارها حکمفرمایی می‌کند."<sup>۲</sup> و این تصویرپردازی و تشبیه پردازی به شکل خیلی زیبایی در مورد سرزمین مقدس نیز به کار گرفته شده است، چنانکه می‌گوید: "مراقبان و کشیکچیان، با لباسهای دراز ایرانی روی همهٔ برجها ایستاده‌اند. این منظره، دورنمای دوران مهاجرت به سرزمین مقدس را در ذهن مجسم می‌سازد."<sup>۳</sup> لوتی برای توصیف کوههای گسترده و بلند ایران می‌گوید: "این غول مهیب وحشت انگیز، سلسله جبال ایران است."<sup>۴</sup>

**طبیعت و هنر:** لوتی برای توصیف طبیعت گاهی به تشبیهات هنری میل می‌کند تا در یک مقایسهٔ ظاهراً متفاوت طبیعت را به هنر تشبیه کند. به عبارت دیگر، آثاری را که انسان در شکل‌گیری آن نقشی نداشته است، به آثاری که انسان آنها را خلق کرده تشبیه می‌کند. او طبیعت کوهستانی را به دلیل رنگش به لباس کشیشان شبیه می‌داند و می‌نویسد: "در افق دورتر، رنگ کوهستان به بنفش زیبایی میل می‌کند که همانند رنگ لباس کشیشان است."<sup>۵</sup> باز با وجه شبه رنگ گله‌های سیاه گاو و بز را به روپوش سیاه رنگ چادرها و لباس زنان تشبیه می‌کند: "گله‌های گاو و بز را می‌بینیم که مانند جویبارهای سیاه‌رنگ به طرف پایین سرازیر شده‌اند. رنگ رمهٔ ایل مانند روپوش چادرها و نیز مثل لباس زنان سیاه است."<sup>۶</sup> او در یک تشبیه پردازی نه ابتکاری طبیعت رنگارنگ را به فرش زمردین تشبیه

۱- همان، ص ۵۳.

۲- همان، ص ۵۷.

۳- همان، ص ۵۹.

۴- همان، ص ۴۳.

۵- همان، ص ۴۵.

۶- همان، ص ۵۴.

می‌کند و می‌گوید: "این فرش زمردین که همه جا در اطراف گسترده است، هر قدر هم انبوه و زیاد باشد، ممکن نیست بتواند تغذیهٔ این همه طفیلی را که دائماً آرواره‌هایشان می‌جنبند، کفایت کند."<sup>۱</sup>

**طبیعت و انسان:** این مسافر فرانسوی در مواجهه با نیایشها و عزاداریهای ایرانیان در ماه محرم آنها را به آوای دریا تشبیه می‌کند و می‌گوید: "در مساجد، هزاران نفر از مردم با هم آه و زاری سر می‌دهند و صدای آنها که شبیه به آوای دریا است، از دور شنیده می‌شود."<sup>۲</sup> در اینجا شاهد تشبیه‌پردازی صداها و نیایشهای انسانی به موجها و صداها دریا هستیم. لوتی در توصیف زیبایی دو دختر ایرانی می‌گوید: "این دو دختر بیش از حد انتظار ملیح بوده، از زیبایی بدوی و ساده‌ای برخوردارند. روپوش آنها دارای نقشها و گلدوزیهای قدیمی و کهنه است. گونه‌های قرمز و مخملیشان به هلوهای ماه سپتامبر می‌ماند."<sup>۳</sup>

**انسان و هنر:** از میان هنرهای ایرانی لوتی به شدت متأثر از مینیاتورهای آن است، چنانکه گویی این مینیاتورها را پیش از ورود به ایران بارها دیده است، زیرا تشبیه‌پردازیهای او در مورد مینیاتور بسیار زیاد است. "دو یا سه مرد پیر نیز در اطراف او نشستند، هر یک از آنها گل سرخی در دست دارد و همان لطف و ظرافت صورتهای مینیاتوری قدیمی در آنها دیده می‌شود."<sup>۴</sup> لوتی در یک تشبیه‌پردازی زیبا و در عین حال ارو-اگزوتیک تصاویر زیبای نقاشی دروهٔ صفویه را به روی زنان ایرانی تشبیه می‌کند و می‌نویسد:

«مینیاتورسازان، تصویر شخص کوچکی را که با سر انگشتان خود گلی را به دست گرفته است در حالات مختلف ترسیم می‌کنند: این شخص در همهٔ تابلوی مینیاتور یکسان است و گوئی از زمان شاه عباس تا کنون تغییری نیافته است: گونه‌های قرمز و گرد است، تقریباً بینی و دهان ندارد، ولی دارای چشمان سیاه و درشت و ابروانی انبوه و پیوسته است.

۱- همان، ص ۷۴.

۲- همان، ص ۱۷۱.

۳- همان، ص ۱۵۷.

۴- همان، ص ۲۱۳.

گویی این زیبایی واقعا در چهره ایرانیان یافت می‌شود. گاهی که در موقع رعد و باران - باد نقاب خانمها را بالا می‌زند شبیه این تصویر را دیده‌ام.<sup>۱</sup>»

تصویری که لوتی آن را توصیف می‌کند، به احتمال قوی از تصاویری است که رضا عباسی و نقاشان مکتب اصفهان به آن بسیار پرداخته‌اند.

**معماری و هنر:** لوتی که مجذوب معماری ایرانی شده است، گاهی پیش‌متنهایی رساتر از هنر برای توصیف آنها پیدا نمی‌کند. او گاهی معماری ایرانی را به نقاشی‌های چینی تشبیه می‌کند و می‌گوید: «از دور، دو یا سه لکه سبز به چشم می‌خورد که مانند نقاشی‌های چین رنگ آمیزی شده است.<sup>۲</sup>» گاهی نیز از هنرهای ایرانی استفاده می‌کند و معماری زیبای ایرانی را جز با هنرهای آن نمی‌توان مقایسه کند. چنانکه می‌گوید: «گنبدها، مناره‌ها و برجهای آبی رنگ همه جا پیدا و نقش آبی آنها نمایان است. طرح و نقش این آثار شبیه به نقش قالی و جانمازهای قدیمی است.<sup>۳</sup>» لوتی با دیدن مسجد کریم‌خان شیراز پس از توصیف بخشهای گوناگون در هنگام توصیف کاشیکاریها و شکافهایی که بر اثر زلزله در آنها ایجاد شده بود، به تشبیه‌پردازی زیبایی با هنرهای منسوجاتی می‌پردازد و می‌گوید:

« هر یک از آنها مجموعه‌ای است از رنگ آمیزیهای ملیح ساده و بی‌آلایش بدوی؛ گویی تمام دیوارهای این محوطه از قالیهای ایرانی با رنگهایی متنوع و متغیر پوشیده شده است. شکافهای عمیقی که در نتیجه زمین لرزه و حرکت مسجد پدیدار گردیده است، به درزها و پارگیهایی می‌ماند که در یک پارچه گرانبها پدید آمده باشد.<sup>۴</sup>»

**معماری و طبیعت:** لوتی گاهی نیز از تشبیهاتی استفاده می‌کند که محققان ایرانی نیز از آن استفاده کرده‌اند، چنانکه به طور مثال در توصیف گچبریهای مسجد امام آن را به طاق

۱- همان، ص ۲۶۹.

۲- همان، ص ۴۶.

۳- همان، ص ۱۸۶.

۴- همان، ص ۱۱۵.

غارها تشبیه کرده است و می‌گوید: "سقف سالن پذیرایی که با گچبریهای زیبا تزئین شده است، به طاق غارهای چکنده شباهت دارد."<sup>۱</sup> این گونه تشبیه پردازی می‌تواند بیانگر گفتگو با محققان ایرانی و استفاده از تشبیه پردازیهای آنها نیز باشد.

گاهی و شاید بتوان گفت در بسیاری از مواقع نویسنده از مقایسه‌ای مرکب استفاده می‌کند. به طور مثال در مورد رابطه شهر شیراز و کریم خان و مقایسه آن با اصفهان و شاه عباس می‌گوید: "همانطوری که شیراز شهر کریم خان بود، اصفهان نیز شهر شاه عباس است."<sup>۲</sup> در اینجا علاوه بر مرکب بودن این مقایسه، بی‌فایده نیست اشاره شود که این پیش‌متن همانند برخی دیگر یک پیش‌متن مؤلفی درون متنی و مولفی است. زیرا توصیف شهر شیراز و نقش کریم خان زند در بازسازی آن را مؤلف در همین سفرنامه پیش‌تر به طور مفصل توضیح داده است. در نتیجه این توضیحات که در هنگام دیدن شیراز پیش‌متن محسوب می‌شد، برای توصیف اصفهان به پیش‌متن تبدیل گردید. پیر لوتی در مراحل بعدی سفر خود از پیش‌متنهایی که خود بدین شکل ایجاد کرده است، استفاده‌های زیادی می‌کند چنانکه در توصیف چهل ستون به تخت جمشید اشاره می‌کند. همچنین در این رابطه بررسی خاستگاه‌های پیش‌متن و اینکه پیش‌متن‌ها به چه حوزه‌های فرهنگی تعلق دارند، از موضوعات مهم ولی مفصل و مستقل است.

### کارکردهای پیشین‌متن‌ها

بی‌فایده نخواهد بود تا مختصری در مورد کارکرد تشبیهاتی که لوتی از آنها استفاده کرده است، نیز گفته شود. تشبیهات به کار رفته همگی دارای یک کارکرد نبوده‌اند، بلکه می‌توان کارکرد آنها را در چهار مورد آگاهی بخشی، ایجاز، زیبایی‌شناسی و تعمیم خلاصه کرد.

از مهم‌ترین کارکردهای پیش‌متن آگاهی بخشی است. در واقع بیش‌متنیت با کمک صنعتی همچون تشبیه پردازی یکی از گونه‌های شناخت می‌باشد که بر اساس آن متن نوین

۱- همان ص ۲۰۰.

۲- همان ص ۲۰۷.



به کمک متن گذشته و شباهت‌های آن دو مورد شناسایی قرار می‌گیرد. کارکرد دیگر تشبیه‌پردازی ایجاز کلام است. با اشارات، کنایات و تلمیحات تشبیهی می‌توان به جای توضیحات تکراری، با استفاده از پیش‌متن‌های مخاطب موجب ایجاز در بیان شد. "راهی که باید امروز طی کنیم کوتاه و تا دروازه مقصد به ده فرسخ هم نمی‌رسد. امشب حتماً به شهر بزرگ کاشان - که «زبیده» زن «هارون الرشید» آن را بنا کرده است، می‌رسیم. آشنایی ما اروپایی‌ها با این شهر، مرهون خواندن حکایات هزار و یک شب است."<sup>۱</sup> گاهی اوقات به ویژه در آثار ادبی و هنری، تشبیه کمتر به کارکردهای دیگر توجه دارد و بیشتر به دلایل زیبایی‌شناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور مثال نویسنده تکه‌های برف را به پارچه سفید تشبیه می‌کند و می‌گوید: "در اطراف ما تکه‌های برف، مانند پارچه‌های سفید روی زمین گسترده شده است."<sup>۲</sup> یا اینکه ابرهای آسمان را به پرندگان در حال حرکت تشبیه می‌کند و می‌گوید: "در آسمان با شکوه شهر، چند قطعه ابر نازک سفید، مانند پرندگانی که در اثر وزش باد سوزانی فرار کنند، در حال حرکت‌اند."<sup>۳</sup> گرچه در این مثالها می‌توان کارکردهای دیگری نیز متصور شد اما مهمترین این کارکردها زیبایی‌شناسی است.

گاهی از اوقات نیز تشبیه و مقایسه بیشتر به دلیل تعمیم یک پدیده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در چنین اوضاعی نویسنده می‌کوشد تا مورد خود را از فردیت خارج و به آن وجه عمومیت ببخشد. در مثال زیر نویسنده پس از گذار از خیابانهای اصلی شهر اصفهان که آن را از شهرهای دیگر متمایز می‌کرد، به محض اینکه وارد خیابانهای فرعی می‌شود، شباهت آن را با شهرهایی که پیشتر دیده بود، حس می‌کند. او می‌گوید:

«ولی به محض اینکه از این خیابان خارج می‌شویم و راه را کج می‌کنیم، معلوم می‌شود که غم و اندوه ناشی از مشاهده ویرانه‌ها در انتظار ما است: ناگهان مانند شیراز خود را در

۱- همان، ص ۲۴۱.

۲- همان، ص ۷۸.

۳- همان، ص ۱۱۹.

پیچ و خم کوچه‌های خلوت و در میان دیوارهای بلند و فاقد پنجره که کثافات و لاشه‌های سگان مرده بر روی زمین افتاده است می‌بایم همهٔ کوچه خلوت، غم‌انگیز و ویران است. <sup>۱</sup>

همچنین کهنگی و ویرانی حصارها را به تمام اشیاء ایرانی تعمیم می‌دهد: "یک طرف این میدان را حصار شیراز محصور کرده است؛ حصاری که مانند همهٔ اشیاء ایرانی زیبا، ولی کهنه و ویران است." <sup>۲</sup>

### نتیجه

مقاله حاضر کوشید تا با نقد متن‌محور به مطالعهٔ تصویرپردازی پیر لوتی در "به سوی اصفهان" و چگونگی توصیف متنهایی بپردازد که هیچ‌گاه مخاطب هدف آنها را ندیده است. در این گذر تلاش شد روشی نه تنها برای مطالعه این اثر، بلکه آثار مشابه ارائه گردد و برخی از مهم‌ترین روابط پیش‌متنها و بیش‌متنها را به ویژه در اشکال تشبیهی و تفریقی مورد مطالعه قرار دهد. در نتیجه مشخص شد تا چه حد برای توصیف و شناساندن بیش‌متن مؤلف به پیش‌متنهای مشترک با مخاطب نیاز است. همچنین با مطالعهٔ جدول پیش‌متنهای "به سوی اصفهان" می‌توان نه تنها به وضعیت فرهنگی و جغرافیایی ایران در ۱۹۰۰ میلادی پی‌برد، بلکه از وضعیت فرهنگی و جغرافیایی فرانسویها و پیش‌متنهای آنها نیز آگاهی یافت.

همچنین با روشن شدن بسامد و تنوع پیش‌متنها علاوه بر تعجب نسبت به برخی بی‌دقتیهای تاریخی و فرهنگی از سوی نویسنده - سیاح فرانسوی در ارائهٔ ویژگی‌های ایران، این تعجب نسبت به کم توجهی نویسنده فرهنگستانی به ادبیات فارسی دو چندان می‌شود. این مسئله می‌توانست با یک مقایسهٔ تطبیقی میان پیش‌متنهای ادبی پیر لوتی و برخی از نویسندگانی که هیچ‌گاه ایران را ندیده‌اند همچون هوگو، بارس و ژید روشن‌تر شود. البته این اثر می‌توانست از جنبه‌های دیگر و با نقدهای دیگر نیز به همین موضوع اصلی

۱- همان، ص ۱۷۷.

۲- همان، ص ۹۸.

یعنی دیگری در آثار ادبی بپردازد. به ویژه، مطالعاتی با نقدهای فرهنگی و جامعه‌شناختی در این عرصه بسیار کارآمد خواهند بود و می‌توانند موضوع پژوهش‌های پسین باشند.